

کارکرد و نقوش وریس در گذار از کوچندگی به یکجانشینی در ایل بختیاری*

فرحناز قاضیانی**

(تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۱۰، تاریخ تأیید: ۹۷/۸/۱۲)

چکیده

«وریس» یکی از دست بافته‌های نواری زنان ایل بختیاری، با نقش‌ها و طرح‌های انتزاعی منحصر به فرد است که از پشم گوسفند، موی بز و در مواردی کاموا بافته شده و در زندگی کوچندگی عشایر بختیاری به عنوان طناب در عرض‌های متفاوت برای مصارف مختلف کارکرد داشته و امروزه این هنر به دلیل یکجانشینی عشایر محدود شده است. حال این سؤال مطرح است که یکجانشینی چه تأثیری بر کارکرد و نقوش منسوج وریس گذاشته است؟ هدف این مقاله شناسایی علت تغییراتی است که در اثر یکجانشینی بختیاری‌ها در کارکرد و نقوش وریس صورت گرفته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و میدانی و محدوده تاریخی آن دوره معاصر است. از نظر موضوعی نیز صرفاً شامل وریس‌بافی به عنوان یکی از دست بافته‌های ایل بختیاری است و به دیگر منسوجات نواری آنان نمی‌پردازد. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که نیاز عشایر بختیاری به نوارهای وریس در دوره کوچندگی باعث تنوع در کاربرد آن‌ها شده و اقتضای شرایط کوچ، اعتقادات و باورها و ارتباط تنگاتنگ آن‌ها با طبیعت، خلق نقوشی زیبا را در بافت وریس به همراه داشته است که در زمان یکجانشینی ایل، اکثر کاربردهای عملی خود را از دست می‌دهد و موجب کنار گذاشتن تدریجی نقوش و بافت این منسوج می‌شود.

واژگان کلیدی: "ایل بختیاری"، "وریس"، "کوچندگی"، "یکجانشینی"

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با موضوع «مستندنگاری منسوج وریس عشایر بختیاری» به راهنمایی دکتر عبدالکریم عطارزاده است.

** دانشجوی کارشناسی ارشد صنایع دستی، دانشگاه سوره.

mehrganmehr.fz@gmail.com

نامه انسان‌شناسی، سال چهاردهم، شماره ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۴۵-۱۶۷

مقدمه

ایل بختیاری بزرگ‌ترین ایل کوچندهٔ ایران (بر اساس آخرین سرشماری عشایر در سال ۱۳۸۷ مرکز آمار)^۱، از دیرباز در دامنه‌های زاگرس زیسته است. ییلاق و قشلاق بختیاری‌ها عمدتاً در حد فاصل دو استان چهارمحال و بختیاری و خوزستان و نیز مناطقی از استان‌های لرستان و اصفهان است. زندگی مردم بختیاری مبتنی بر پرورش دام و زندگی کوچندگی است و بخشی از فرآورده‌های دامی آنها که شامل پشم، کرک و موی بز است، به صورت دستاوردهای هنری در قالب تولید انواع دست‌بافته‌های کارکردی متجلی می‌گردد. این دست‌بافته‌ها شامل قالی، خرسک (فرشی با پُرز بلند)، لی (گلیم یا سرانداز)، جاجیم (نواربافته‌ای منسوج پهن برای تهیه روبهٔ لحاف)، موج (روانداز، رختخواب پیچ و گاهی زیرانداز)، هورژین (خورجین)، تُرَبه (توبرهٔ نگهداری و حمل ملزومات چوپان)، شَلَه (برای جابجایی مشک، محصول دروشده، سنگ و چوب بر روی حیوان)، شَلُ (برای جابجایی محصول دروشده)، هورژ (خورج)، هورژین (خورجین)، هور (جوال)، مَهَدَه (زیرگوشی)، تی‌یر (نمکدان)، هورژِ تَرک (محل نگهداری دارایی نقدی و قیمتی)، سُرْفَه آردی (سفره‌ای برای ملزومات و پخت و پز نان)، پیش‌سینه اسب و مادیان، جُل (روزینی)، مَوَجی چین (نوعی نواربافته بدون بود جداگانه با نقوشی شبیه به موج)، برای بند چادرها علاوه بر وریس طناب‌های دورنگی می‌بافند که خودشان آن را رشمه گِلْدِرچین می‌نامند. (کریمی، ۱۳۶۸: ۱۱۱)، گِلْدِرچین (نوعی نواربافته بدون بود و باریک که بیشتر برای بستن گیس دختران و زنان به کار می‌رود)، بِنْد زَنگیلی (نوعی نواربافته برای بستن زنگوله به گردن حیوانات)، طنابِ چَپی (نوارتاییده شده با موی بز سیاه و سفید که بیوه زنان بختیاری آن‌را با دست چپ تاییده، روی آن‌را با پشم یا کاموای رنگی پوشانده و برای خوش یمن بودن و دورشدن چشم بد از خانواده در سیاه چادر و... آویخته و نیز به دیگران هدیه می‌دهند) و «وریس» است که در مواردی به آن «مال بِنْد»^۲ هم می‌گویند. اغلب نوارهای عشایری با تکنیک سادهٔ دولابف یک بود بافته می‌شوند. این نوارها بافت دو رو دارند و روی آنها نقوش گیاهی،

1 www. amar. org. ir

۲ بختیاری‌ها به مجموعه‌ی دارایی‌های خود "مال" هم می‌گویند، پس "مال بند" وریسی است که به هنگام کوچ دارایی‌های خود را با آن می‌بندند.

جانوری، انسانی و ... خودنمایی می‌کند. مهم‌ترین گرایش‌های تولید دست‌بافته‌های نواری در مناطق مختلف ایران، در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۱ - مهم‌ترین گرایش‌های نواربافی در مناطق مختلف ایران

ردیف	نام گرایش	منطقه جغرافیایی
۱	وریس‌بافی	چهارمحال و بختیاری، خوزستان، لرستان و اصفهان
۲	نواربافی	گلستان (علی‌آباد کتول)
۳	پَن‌بافی	قزوین (روستای علی‌آباد الموت)
۴	خوس‌بافی	استان فارس (شهرهای خنج و اوز)
۵	خُصابه‌بافی	هرمزگان
۶	مُداخله‌بافی	خراسان رضوی (بجنورد منطقه کلات نادری)

مردمان بختیاری به کمک ادبیات شفاهی، شعر و موسیقی به غنای ذهن و باور خود می‌افزایند و با خلق نقش و نگارها، آنها را تبدیل به وسیله ارتباطی و انتقال اندیشه می‌سازند. نظر آرمن هانگلدین^۱ در مورد نقش قالی را می‌توان به نقوش منسوج وریس نیز تعمیم داد: «نقش قالی، تنها عنصر بنیادی است که همیشه مورد توجه قرار می‌گیرد» (۱۳۷۵: ۳۹).

"چوگری، چینی‌گری، دووال‌گایی
تو چُنُو چَپِت بَز، عاجز نَبایی"

(تو نخ ریس و بافنده‌ای، با کارت‌های چرمی گاو برای بافتن وریس چنان دفتین بزَن که خسته نشوی)

بافت وریس، بافندگی روی دستگاه توسط صفحات مربعی شکل هستند. این صفحات مربع‌هایی از پوست محکم گاو هستند (دووال) که هر ضلع آن ۶ سانتی‌متر است و در هر گوشه آن یک سوراخ وجود دارد. از هر سوراخ تعدادی از این صفحات (۱۰ تا ۲۰ صفحه متناسب با پهنای تسمه مورد نظر) یکی از نخ‌های تار می‌گذرد. این نخ‌های تار بین دو عدد میخ چوبی که در زمین فرو رفته کشیده شده است (مشابه تصویر ۵ که به جای میخ‌های چوبی نوع آهنی آن استفاده شده است) و فاصله‌ی این دو میخ، متناسب با طول تسمه‌ای است که باید بافته شود. همین که صفحات ردیف شدند، نخ‌های تار را در دو ردیف جدا از هم به صورت زیر و رو نگه

1 Hangeldin

می‌دارند؛ از بین این دو ردیف، نخ پود می‌گذرد. نخ پود توسط یک کاردک چوبی (چَپَت) فشرده می‌شود. چرخش این صفحات چرمی به میزان یک چهارم دور در جهت عمودی، یک گام از کار را آماده می‌کند و یک چهارم از تارها در دو سطح رویی کار ظاهر می‌شوند (دیگار، ۱۳۶۹: ۱۵۵-۱۵۴) (تصاویر ۲ تا ۴ و تصویر ۲۲).

ابزارهای لازم بافت وریس (تصاویر در گروه تصاویر ۱) شامل مه (میخ بلندچوبی یا فلزی) (تصویر ۱)، پَره (وسیله‌نخ‌ریسی)، دووال (کارت‌هایی از جنس چرم، فیبر و در حال حاضر پلاستیک)، چَپَت (کار دفتین را انجام می‌دهد) (تصویر ۴)، سُک (وسیله‌چوبی برای جداکردن تارها از یکدیگر و بافت راحت تر که بر روی آن‌ها در عرض کشیده می‌شود) و قِجی (قِجی پشم چینی و قِجی معمولی)، چَقو (چاقو) و ماسوره (مقداری نخ که با دست به هم پیچیده و برای پود به کار می‌رود) (تصاویر ۲ و ۳) بسیار ساده و ارزان بوده و به راحتی در دسترس عشایر که تولیدکنندگان اصلی نوارها هستند، قرار دارد. در دهه‌های گذشته برخی از وریس‌ها با تغییر شیوه زندگی بخش اعظمی از ایل بختیاری از کوچندگی به یکجانشینی کاربردهای گذشته خود را از دست داده و از گردونه تولید مصرفی عشایری خارج شده‌است. فقط تعدادی از زنان بختیاری که در هنگام کوچ از بافتن آن بهره برده‌اند، توانایی بافت آنها را دارند و در حال حاضر تنها به بافت برخی از نقوش وریس می‌پردازند. گاهی برای سرعت بخشیدن به بافت وریس، دو نفر اقدام به بافت از دو طرف یک دستگاه می‌کنند؛ در این صورت بافته‌ای که کارت‌ها را در اختیار دارد نقش انداز اصلی است (تصویر ۵). مواد اولیه وریس عمدتاً از پشم، موی بز و کاموا است.

پدیده یکجانشینی، پیامدهایی را برای عشایر به دنبال داشته است. نخستین پیامد، کنارگذاشتن زندگی کوچندگی است که موجب حذف دامداری و دامپروری که مهم‌ترین و عمده‌ترین منبع معیشت و اقتصاد آنان است، شده و در نتیجه دیگر مواد اولیه بافته‌های عشایری در دسترس آن‌ها نخواهد بود. دومین پیامد این است که در اثر تغییر شرایط و شیوه زندگی، دست بافته‌های عشایری، کاربرد خود را از دست خواهند داد. بنابراین در شرایط جدید، اصالت و ارزش‌های هنری و زیباشناختی، طرح، نقش، رنگ و فنون بافت موجود در دست‌بافته‌ها با

قرارگیری در کانون‌های اسکان و نزدیکی با روستا یا شهر تحت تأثیر این هم‌جواری قرار گرفته و نظام بافندگی عشایری کنار گذاشته می‌شود؛ در نتیجه بخش مهمی از هویت ایلی بختیاری از بین می‌رود.

هدف کلی این تحقیق، بررسی وریس پس از یکجانشینی عشایر بختیاری و مقایسه آن با دوران کوچندگی از منظر کارکردها و نقوش آنها است که برای برنامه‌ریزان حوزه‌های مرتبط مورد استفاده خواهد بود. مناطق عشایری دعوتگاه چارمورون دینارون از بخش مرکزی شهرستان اردل، قلعه‌سنگ از بخش مرکزی شهرستان کوهرنگ، روستاهای بیدکل از توابع شهرستان فارسان و گزستان از بخش بازفت شهرستان کوهرنگ برای مطالعه این پژوهش انتخاب شده‌است. جامعه آماری این تحقیق، شامل بیش از ۵۰ نوار وریس متفاوت موجود در مناطق فوق و نیروی انسانی مرتبط با این حوزه‌ها است.

گردآوری اطلاعات این تحقیق به صورت میدانی - کتابخانه‌ای بوده‌است. اطلاعات توصیفی پیرامون جنبه‌های تحقیق، از طریق مصاحبه تخصصی با افراد مرتبط با وریس‌بافی در طی سفرهای نگارنده در سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ (در زمان کوچندگی نسبت به اکنون) و سال ۱۳۹۶ در زمان اسکان عشایر در مناطق کوچندگی تعداد اندکی از باقیمانده خانوار عشایر کوچ رو و روستایی گردآوری شده‌است. سپس با استناد به منابع کتابخانه‌ای در زمینه‌های مختلف (به صورت فیش‌برداری و تصویربرداری)، موضوع تحقیق تجزیه و تحلیل شده‌است. در این مقاله از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی استفاده شده‌است. این پژوهش، از نظر محدوده موضوعی، صرفاً شامل وریس‌بافی ایل بختیاری به عنوان یکی از گرایش‌های پارچه‌بافی سنتی ایران است و سایر نوارهای دست‌باف زنان و مردان بختیاری بررسی نشده‌است. یافته‌های این تحقیق، می‌تواند در راستای رونق مجدد وریس‌بافی در دوره یکجانشینی ایل بختیاری، ازسوی متولیان این حوزه مورد استفاده قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

مهم‌ترین پژوهش‌هایی که تاکنون در ارتباط با موضوع اصلی و موضوعات فرعی این مقاله نگارش و منتشر شده‌است، شامل موارد زیر است: در مقاله «مطالعه مردم‌شناسی وریس‌بافی

عشایر بختیاری» (کیانی، ۱۳۹۵). با توجه به اهمیت تأثیر پذیری از محیط و طبیعت اطراف در وریس توسط هنرمندان گمنامی که وسایل کاربردی روزمره را با ذوق خاص و وسعت نظرشان تبدیل به کالاهای ارزشمند کرده‌اند، به چستی عوامل موثر در بافت آن قدمی در شناساندن این دست‌بافته بختیاری برداشته‌است. نتایج تحقیق یادشده نشان داده است که عشایر بختیاری با توجه به نیازهایشان و با مواد اولیه موجود، کاربردی‌ترین وسایل خود از جمله وریس را می‌بافند که این تولیدات زیبا از لحاظ نقش‌اندازی نیز دارای اهمیت بوده و اغلب برگرفته از عقاید و آداب و رسوم آنها است. مقاله «نوارهای تزیینی منسوج ایرانی» (امینی، ۱۳۸۴). به بررسی تحول تزیینات نواری شکل در ایران پرداخته‌است. مقاله «بندهای آویز دست‌باف در ایل بختیاری هنری رو به فراموشی»، به معرفی و کاربرد بندآویزهای دست‌باف عشایر بختیاری می‌پردازد که بدون هیچ‌گونه ابزاری بافته می‌شوند. نویسنده در مقاله خود تلاش می‌کند روشی برای احیا این تولیدات ارائه دهد اما نمی‌تواند از طرح یک پیشنهاد فراتر رود.

کارکردهای وریس

شامل دو گروه کاربردهای عملی و کاربردهای تزیینی است (گروه تصاویر ۲). از یک منسوج وریس ممکن است در کاربردهای مختلف استفاده شود.

کاربردهای عملی

۱. از زیباترین وریس‌ها برای بستن بار و بنه بر پشت چارپایان استفاده کرده تا به هنگام کوچ آن را به رخ دیگر طوایف بکشند.
۲. تلمیت: به هنگام کوچ بر روی "هورژین" (خورجین) بسته شده بر کمر اسب، قاطر و الاغ، دو بالش جلو و عقب آن گذاشته، روی آن را با بافته موج پوشانده، با وریسی منقوش محکم کرده و از گودی ایجاد شده بین دو بالش برای نشستن افراد ناتوان، زنان و بچه‌ها استفاده می‌کنند (تصویر ۱۸).

۳. بستن جُل (روزینی) و پالان که با تسمه سینه‌بند به جلوی حیوان، تنگ شکم بند به پشت دست‌ها و "دینه‌چه" (دنبالچه) که به وسیله یک زیردم نمدی (رُفیده) به پشت حیوان بسته می‌شود (تصویر ۱۸).
۴. بستن لگام و سر و کله (سربند) چارپایان (تصویر ۱۶).
۵. "آو آر هیوه" (وسیله آوردن هیزم): برای حمل هیزم و مواد سوختی از وریس نقش‌دار مستهلک یا وریس ساده خود رنگ استفاده می‌شود (تصویر ۱۹) که اندازه آن بسته به مقدار هیزم گردآوری شده تغییر می‌کند.
۶. "آو آر او" (وسیله آوردن آب): برای حمل و جابجایی مشک پرشده از آب چشمه نیز، وریس استفاده شده یا وریس ساده خود رنگ را به کار می‌برند.
۷. "قفل و کلید کردن" هورژین" (خورجین): هورژین حکم صندوقچه‌ای را دارد که با اتصال بندینک‌های آن به یکدیگر که از بافت وریس است، در آن کاملاً بسته شده و آخرین بندینک کیسه‌های دو طرف با قفل محکم می‌شوند (تصویر ۸). تمامی وسایل مهم زندگی در هورژین جای می‌گیرد.
۸. "هورژ" و "مهده" مانند هورژین قفل و کلید می‌شوند (تصاویر ۶ و ۷). در این بافته‌ها وسایل شخصی زنان جای می‌گیرد. در مواقع لزوم نیز از مهده به جای بالش (زیر گوشی) استفاده می‌شود. عرض این وریس به اندازه شکاف‌های ایجاد شده در بافته مورد نظر برای گذراندن وریس از آن و طول آن نیز به اندازه پهنای هورژ و مهده بستگی دارد.
۹. برای "بستن و حمل تهده یا تده" (گهواره) بر پشت مادر، از پهن‌ترین وریس که آن را "آو آر تهده" می‌نامند؛ استفاده شده تا سنگینی آن فشار کمتری به مادر وارد آورد. طریقه بستن آن کاملاً محکم بوده و هیچ‌گونه مشکلی به وقت کوچ برای مادر ایجاد نمی‌کند (تصویر ۱۰).
۱۰. "بستن قنداق نوزاد": مادر به هنگام خوابیدن نوزاد، وی را قنداق کرده و با وریس می‌بندد.
۱۱. "بستن نوزاد به تهده" (گهواره): مادر کودک خود را در زمان خواب یا بیداری به گهواره بسته تا با فراغ خاطر به کارهای روزانه زندگی بپردازد؛ در حال حاضر به جای این وریس

- پهن در مواردی از پارچهٔ مخمل جیر یا پارچه‌های دیگر استفاده کرده و با وریس آن را محکم می‌کنند (تصویر ۱۱).
۱۲. "به کمند انداختن و گرفتن اسب‌های سرکش".
۱۳. "بستن پیز دستگاه‌های بافت منسوجات به سَرَمَلار"، محل اتصال سه پایه (تصاویر ۱۳ و ۱۴).
۱۴. و نیز مشک را به سَرَمَلار برای دوغ زدن و کره گرفتن، با وریس می‌بندند.
۱۵. "بستن بهون" به میخ طولی‌های فرو کرده در زمین برای برپایی و ثابت کردن آن در نُه نقطه برای یک بهون در اندازهٔ سه در چهار متر بدون نقش یا با استفاده از وریس‌های دیگر. هم‌اکنون از نواریافت‌های دیگر یا از طناب پلاستیکی استفاده می‌شود (تصویر ۱۷).
۱۶. "تفتوربند" وریسی است در حکم دستگیرهٔ هورژین و هور که برای جا به جا کردن، به بالا و پائین دو طرف آن وصل می‌شود (تصویر ۹).
۱۷. "اوسار" (افسار) چارپایان.
۱۸. "شیکال بند" را مردان شکارچی به وقت شکار کردن همراه خود برده تا شکار خود را با آن به حلقه‌های پشت دو طرف زین مرکب خود بسته و آنرا به راحتی تا مقصد حمل کنند.
۱۹. "دار دوشگِله" (دار دوشکِلا) وریسی پهن و بلند است که دو سر آن را برای تاب بازی کودکان به شاخهٔ درخت می‌بندند.
۲۰. "بار بندِ بهون" وریسی پهن برای مهار سیاه‌چادر در برابر بادهای شدید است که به موازات طول سیاه‌چادر، آن را از یک طرف به طرف دیگر از روی سیاه‌چادر گذرانده و به زمین محکم می‌کنند. این وریس به علت قرار داشتن مستقیم در برابر باد، باران و آفتاب بدون نقش بافته می‌شود (تصویر ۱۹).

کاربردهای تزئینی

۱. "تزئین داخل (تصویر ۲۰) و بیرون بهون" (تصویر ۱۷) با نقش عمدهٔ شیردنگ همراه با منگوله‌ها و مهره‌های رنگین که با توجه به طول بهون، طول آن متغیر است.

۲. "شله کش" یا "دست‌رکش": وریسی خودرنگ و بدون نقش است که زنان بختیاری آن را با پارچه مخمل خوش‌رنگی جلد کرده، بر روی مخمل با مهره دوزی یا دکمه دوزی، نقوش مثلی ایجاد کرده و از بالای هورژین به دو طرف آن متصل می‌کنند. شله کش علاوه بر داشتن جنبه زیبایی، سبب دورشدن حشرات هنگام حرکت چارپایان در کوچ می‌شود (تصویر ۹). گاهی نیز وریسی با نقش شیردنگ برای تزئین روی هورژین دوخته می‌شود.
۳. "تزئین ته‌ده" (گهواره) با نقش شیردنگ به همراه مهره تی (چشم زخم)، موی گرگ، دندان پلنگ، خرمهره و ... برای دفع بدی‌ها و بلاها (قاضیانی، ۱۳۷۶: ۱۴۱).
۴. "پیش تیگی" (پیشانی‌بند): وریسی را با منگوله‌های رنگی و مهره تی (چشم زخم) برای تزئین اسب عروس و اسب مورد علاقه صاحبش در محل پیشانی به سربند حیوان متصل می‌کنند (تصویر ۱۶).
۵. در حال حاضر عشایر یک‌جانشین، عروس را با ماشین به خانه بخت می‌فرستند؛ بنابراین ماشین را با وریسی که با نقش شیردنگ بافته شده، مزین می‌کنند.
۶. و نیز منزل (خانه) جای بهون را در یکجانشینی گرفته‌است، پس شیردنگ را در جای جای آن می‌آویزند (تصویر ۲۱).
۷. بختیاری‌های اسکان یافته مکان جشن عروسی را با شیردنگ تزئین می‌کنند تا ضمن حفاظت از عروس و داماد و میهمانان، برای ساختن زندگی جدید خوش یمن بوده و خوشبختی را برای آن‌ها به ارمغان آورد.
۸. "بند بازی بند" یا "بند بایی بند" (بند بازو بند): دختران و زنان جوان برای زیبایی و دفع چشم زخم، وریسی با نقش شیردنگ بر روی بازوی خود می‌بندند. نقشی با این نام نیز روی دیگر بافته‌هایشان موجود است.
۹. "زیرچلی" (زیربغلی): وریس باریکی با نقش شیردنگ به طول ده سانتی‌متر که برای تزئین و محافظت به پایین حلقه آستین "چوقا" (پوشش رویی لباس مردان بختیاری بافته شده از جنس کرک) متصل می‌شود (تصویر ۱۵). «هم چنین از آن جا که در قدیم روبان، تور و ... وجود نداشته است، برای تزئین لباس، دور یقه، لبه لباس و کمر شلوار استفاده

می‌شده‌است» (امیراحمدیان، ۱۳۸۷: ۱۴۶). اما در مناطق مورد تحقیق این مقاله نشانی یا نظری در این موارد دیده یا شنیده نشد.

نقوش رایج در منسوج وریس (گروه تصاویر ۳)

نقوش دست‌بافته‌های بختیاری، با الهام از آداب و رسوم، عادات، بینش و فرهنگ ریشه‌دار و پربار ایل بختیاری ایجاد شده و اغلب از معانی قراردادی برخوردارند. این نقش‌ها با وجود تنوع و پیچیدگی، با آموزش از بافنده‌های بزرگ‌تر ایل و به کمک ذهن خلاق بافنده شکل می‌گیرند. هم‌چنین، برخی از این نقوش، از عناصر موجود در محیط پیرامون آنها از قبیل حیوانات، گیاهان و ملزومات زندگی روزمره عشایری سرچشمه گرفته، در گذر زمان ریشه‌های معنایی خود را حفظ کرده و بدون تغییر چشم گیر به حیات خود ادامه داده‌اند. نقش‌های منسوج وریس را می‌توان از نظر شکل ظاهری و موضوع به گروه‌های مختلف تقسیم کرد:

نقوش گیاهی

۱. "بلگ بیدی": این نقش تداعی کننده برگ‌های پشت سرهم و متصل شده به یک شاخه را تداعی می‌کند.
۲. "ته تِلاش" (تخته تراش): زنان بافنده این نقش را به تکه‌های چوب با تراش نازک تشبیه می‌کنند؛ و یا ممکن است شاخه‌های تازه‌ای از یک درخت باشد که پوست آن را با نوک تیز چاقو به صورت مورب خط انداخته باشند (تصویر ۲۸).
۳. "گل گندم": این نقش شامل ساقه و خوشه گندم است. کشیدگی نقش با کشیدگی فرم وریس هماهنگ شده‌است. در قسمت‌هایی از وریس فقط خوشه گندم که قوت غالب آن‌ها است، بافته می‌شود (تصویر ۳۴).
۴. "گل خیره" (گل‌گرده یا تک‌گل): بهار و شروع زندگی دوباره همراه با رویش گل‌ها و تداعی آن از ذهن لطیف بافنده وریس بر آن نمود می‌یابد. این نقش شبیه به لوزی‌های توپُر یا اشکال ساده و تداعی کننده گل‌های پیرامون آن‌ها است (تصویر ۲۴).

۱ گل ریز: بختیاری‌ها واژه گل را افزون بر نقش واقعی گل، برای سایر نقوش نیز به کار می‌برند.

۵. "گل پیکه" (گلِ خالی، گلِ خَشخاری^۱): نقشی شبیه به لوزی توخالی است و بر روی چند وریس دیده شده است (تصاویر ۳۱، ۳۳ و ۴۰).
۶. "یَ گُل" یا "بندِ گل": زنان عشایر بختیاری بافتن نقشی از گل که در یک ردیف و پشت سرهم تکرار شود را ی گُل یا بندِ گل می نامند. این نقش شبیه مربعی است که به ۴، ۶ یا ۸ مثلث تقسیم شده است و یا به شکل لوزی یا مثلث دیده شده است و به گل هایی می ماند که در یک ردیف به نخ کرده باشند (تصویر ۳۲).
۷. "دوگل": با بافت دو ردیف نقش "ی گُل" به صورت موازی هم، نقش "دوگل" به وجود می آید.
۸. "چارگلی": چارگلی از یک لوزی بزرگ که در بر گیرنده ۴ لوزی (گل) کوچک است، تشکیل می شود و به آن "بُتی شایی" نیز می گویند (توضیح این نقش در گروه نقوش انسانی آمده است) (تصاویر ۲۶ و ۳۶).

نقوش جانوری

۱. "ماری": این نقش به شکل خطوط منحنی موازی هم بافته می شود که یادآور شمایل مار است. مار را می توان حافظ گنج دانست؛ پس بختیاری ها اموال خود را با وریسی که نقش مار بر آن نقش بسته، می بندند تا از آن ها به خوبی محافظت شود. نقش ماری را می توان به آب، مظهر پاکی و نشانه حیات و نیز به راه های مالرو تشبیه کرد (تصاویر ۴۳ و ۴۹).
۲. "چنگلی": تداعی کننده مبارزه دو قوچ از زاویه دید بالا است که گویی با شاخ هایشان در چنگ هم گرفتار شده اند. شاخ قوچ ها در این درگیری نمود پیدا کرده و به صورت استیلیزه و مجرد بر وریس نقش می بندد (تصویر ۲۷).
۳. "گا مسی سی": اساس این نقش بر یک لوزی استوار بوده و کناره های آن با شکل سر جانوران که روبه روی هم قرار گرفته اند؛ تزیین شده است (تصویر ۵۱).
۴. "بالنده": در گویش بختیاری به پرنده، "بالنده" می گویند. بالنده از نقش دو نیم "هچَه" (توضیح نقش هچَه در نقوش اشیا آمده است) که قرینه یکدیگرند، تشکیل می شود (تصاویر ۲۹، ۲۳ و ۳۰).

۲ خَشخاری: بیخود، بی دلیل، به گل خودرو گویند.

۵. "شیردنگ" یا "شیردنگ": "شیردنگ" از دو کلمهٔ "شیر" و "دنگ" ترکیب شده و نعرهٔ شیر از آن استنباط می‌شود که باعث ترس هر نوع ارواح خبیثه و دور شدن آن‌ها می‌گردد. شیردنگ ارتباطی تنگاتنگ با فرهنگ معنوی، اعتقادات و باورهای عشایر بختیاری دارد؛ از این‌رو برای این نقش شخصیت جداگانه‌ای قائل شده، آن را از حیطةٔ وریس خارج کرده و برای انواع کاربردهای تزئینی، خوش‌یمنی، مبارکی و محافظت‌کننده به کار می‌برند. "شیردنگ" ترکیبی از دو واژهٔ "شیر" و "دنگ" (شعر و صوت) است که می‌توان آن را ورد و یا گفتهٔ مقدسی دانست که بلایا و بدی‌ها را دور کرده و به عنوان دعای خیر همراه صاحب آن است.

۱-۵- "شیردنگ تکی" شبیه مثلث‌های قائم‌الزاویه است که به صورت چپ و راست طوری نقش می‌بندند که وتر آن‌ها موازی هم قرار می‌گیرند (تصاویر ۳۷، ۴۰ و ۴۷).

۲-۵- "شیردنگ جفتی" از ترکیب شیردنگ تکی است که حول محور یک ضلع زاویهٔ قائمه خود چرخیده و شکلی شبیه مثلث‌های متساوی‌الساقین می‌دهد که راس هر یک در وسط قاعدهٔ دیگری قرار گرفته است (تصویر ۴۸).

نقوش انسانی

۱. "بتی شاهی" (خاله شاهی): از دو واژهٔ "بتی" به معنای خاله در گویش بختیاری و "شاهی" یا "شاهی" که نام زن است، تشکیل شده و شاید نام اولین زنی است که این نقش را بافته‌است و یا برگرفته از بوتهٔ شاهی (نام نوعی سبزی) باشد. ساده شدهٔ این نقش بر روی وریس بافته شده (تصاویر ۴۴ و ۵۵) و چارگلی (توضیح در نقوش گیاهی آمده است) نیز خوانده می‌شود.

۲. "موشائيجو" (ماه شاهيجان) یا "مور شائيجو" (تصویر ۳۵): برای این نقش دو روایت دارند: ۱-۲- نام زنی است به اسم "موشائيجو" یا "ماه شاهی جان" که لوزی‌های تکی دو طرف را به جای چشم‌هایش و لوزی‌های دیگر را به جای بقیهٔ اندام وی تلقی می‌کنند. شاید اولین بار زنی با این نام آن را بافته باشد.

۲-۲- "مور شائیجو" ترکیبی از دو واژه "مور" به معنی زمین سرسبز است که به "شائیجو" نسبت داده می‌شود، به این معنی که زنی به نام شاهی‌جان نقشی بافت که به زیبایی آن مکان سرسبز است.

نقوش اشیا

۱. "گل گوشار": هنگام بافت این نقش، بافنده آن این شعر را که حاکی از مشکل بودن بافت آن است زمزمه می‌کرد:

"دستت به دیال و چپت‌ای گل گوشار چی ملا قلم به دس نشقیسه وردار"

(قاضیانی، ۱۳۷۶: ۱۴۵)

(بادست‌هایت به کمک کارت‌ها و دفتین چون معلمی دانا که قلم در دست دارد، نقش گل گوشار را بباف)

۲. "خال نال" (نقش نعل): نعل در اکثر مناطق ایران از جمله سرزمین بختیاری دورکننده نحوست و نشانه خوشبختی است. جایگاه ویژه نقش نعل در اندیشه مردم این سرزمین باعث شده است تا بر وریسی که با بار و وسایل باربری پیوند دارد؛ بافته شود (تصویر ۳۹).

۳. "بند آره": این نقش با الهام از آره بافته می‌شود که با تکرار و ادامه بافت آن "بند آره" نام می‌گیرد (تصاویر ۲۳، ۲۸، ۳۳ و ۴۳).

۴. "گل هچّه": این نقش از وسیله‌ای چوبی به نام "هچّه" که در بستن بار از آن استفاده می‌شود، الهام گرفته شده است (تصویر ۱۲). هچّه برای سرعت بخشیدن به بستن و محکم نگه داشتن بار بر پشت چارپایان به وقت کوچ اهمیت به سزایی در میان عشایر بختیاری کوچ رو داشته (تصویر ۱۲) و به دلیل انعطاف پذیری زیاد در بافت بر روی دست‌بافته‌هایشان از جمله وریس به صورت S شکسته و Z تغییر شکل یافته همراه با انواع گل (مثلث، لوزی و ...) نقش می‌بندد (تصاویر ۴۱، ۴۲ و ۴۸).

۵. "قیچی" و "پره": از پشم چینی، نخ ریزی تا اتمام بافندگی، قیچی و دوک نخ ریزی نقش مهمی ایفا می‌کنند؛ به همین سبب نقش آن‌ها در روند تولید بافت وریس متجلی می‌شود (تصویر ۲۵).

سایر نقوش

۱. "گنات" (تاتایی): معنی این واژه را نیافتیم. این نقش در لبهٔ وریس با دو رنگ بافته می‌شود و به آن "گنات به ره" (گنات در لبه) می‌گویند (تصاویر ۲۳، ۲۶، ۳۷، ۴۷ و ۵۱). به "تاتایی" به معنای گل‌های تک تک نیز نامیده می‌شود. این نقش به صورت نوار گیسو بافت در انتهای وریس نیز دیده شده است.
۲. "مُدَاخِل (مداقِل)" یا "کِلَاکِه": مُدَاخِل به معنی داخل شدن و نفوذ کردن است. درهم فرو رفتن خطوط (لوزی‌ها) این معنی را می‌رساند. مُدَاقِل و کِلَاکِه نیز نامیده می‌شود. یکی از زنان بافنده اذعان داشت که "مُدَاخِل" روی وریس نیز بافته می‌شود، اما نمونه‌ای از آن دیده نشد.

نتیجه گیری

حال با توجه به هدف مقاله به تفاوت‌ها و شباهت‌های کارکردها و نقوش مورد استفاده در وریس می‌پردازیم: از مجموع ۲۸ کارکرد به دست آمدهٔ عملی و تزئینی انواع وریس، شامل ۱۹ کاربرد عملی و نه کاربرد تزئینی (در زمان کوچندگی و یکجانشینی)، نتایج زیر به دست آمد:

از ۱۹ کاربرد عملی بافت وریس مورد استفاده در زندگی کوچندگی، تنها سه مورد از جمله: بند قنناق بچه، بستن نوزاد به گهواره به هنگام خواب و وریس مورد استفادهٔ تاب بازی کودکان (داردوش گله) در هنگام یکجانشینی استفاده می‌شوند. موارد فوق به دلیل اهمیت نگهداری از فرزندان، با نقش اصلی شیردنگ که دورکنندهٔ بدی‌ها، محافظت کننده و خوش یمن است؛ بافته می‌شوند.

از شش کاربرد تزئینی وریس در زمان کوچندگی که جنبهٔ معنوی و حفاظت کنندهٔ آنها بسیار مهم است، گهواره در یکجانشینی همچنان با وریس تزئین می‌شود. تزئین سیاه چادر جای خود

را به تزئین خانه‌های مسکونی (داخل اتاق‌ها) در یکجانشینی داده است و به جای تزئین اسب عروس، ماشین عروس را با شیردنگ تزئین می‌کنند. در تمامی وریس‌هایی که کاربرد تزئینی دارند، چه در زمان کوچندگی و چه در زمان یکجانشینی، شیردنگ نقش عمده بافت آنها را تشکیل می‌دهد. در نتیجه بررسی‌های انجام گرفته در گذار از کوچندگی به یکجانشینی مشخص گردید بیشتر وریس‌هایی که در کوچندگی کاربرد عملی داشتند و به تبع آن نقوش به کار رفته در آنها، بافته نمی‌شوند؛ اما وریس‌هایی که کاربرد تزئینی داشتند همچنان نقش مهمی در زندگی آنها ایفا می‌کنند تا آن جا که کاربرد تزئینی آنها در زندگی جدید یکجانشینی تعاریفی جدید پیدا کرده است. در حال حاضر تنها زنان مسن که در هنگام کوچ بافت وریس را فراگرفته و به کار برده‌اند، قادر به بافت آن هستند (در مواردی آنها نیز بافت برخی نقوش را فراموش کرده‌اند). نداشتن لزوم استفاده از وریس در کاربردهای عملی مورد استفاده در کوچندگی، موجب کنار گذاشتن بافت این وریس‌ها و فراموش کردن بافت نقوش به کار رفته در آنها در یکجانشینی و در نتیجه از بین رفتن بخش مهمی از هویت ایلی بختیاری در آینده‌ای نه چندان دور خواهد شد. در حال حاضر از نقوش متنوعی که در بافت وریس‌های مختلف در زمان کوچندگی استفاده می‌شد، تعداد انگشت شماری بافته می‌شود که مهمترین آنها نقش «شیردنگ» است. این نقش علاوه بر کاربرد تزئینی، در باورها و اعتقادات آنها ریشه دارد. شیردنگ دورکننده بدی‌ها و خوش یمن از مصرف کننده وریسی که این نقش را بر خود دارد، محافظت می‌کند. نقوش «گنات به رُه»، «بند آره» و انواع «گل»‌های ریز نیز در حاشیه شیردنگ‌ها استفاده می‌شوند. "دار دوش گله" در زندگی یکجانشینی تنها وریس پهنی است که کاربرد عملی داشته و با نقوش بیشتری بافته می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد به دلیل جایگزین شدن طناب‌های پلاستیکی برای تاب بازی کودکان و حتی بازی‌های کامپیوتری، عمر نقوش این وریس کوتاه‌تر از عمر نقوشی باشد که بر شیردنگ‌ها نقش می‌بندد.

پرسش پژوهش: دلایل تأثیر یکجانشینی بر کاربرد و نقوش منسوج وریس چیست؟ با توجه به تغییر شیوه زندگی کوچندگی به یکجانشینی ایل بختیاری طی دهه‌های اخیر، اکثر کارکردها و نقوش وریس تنها در موارد محدودی باقی مانده و یا تغییر ناچیزی کرده است (از جمله تزئین

ماشین، تزئین محل عروسی و تزئین خانه) که آن‌ها هم پس از مدت کوتاهی فراموش می‌شوند؛ همانگونه که کاموا جایگزین پشم و موی بز خواهد شد. این مسائل موجب شده است آموزش سینه به سینه به نسل‌های بعدی منتقل نشود. اشتیاق جوانان به جاذبه‌های به ظاهر خوب جامعهٔ مدرن کنونی نیز، آنها را از هویت فرهنگی خود دور کرده و فراموشی این هنر زیبا و منحصر به فرد را برای آن‌ها به ارمغان آورده است.

گروه تصاویر ۱ - تصاویر ابزار کار و مواد اولیه مصرفی در وریس

۲. پود را به صورت ماسوره از بین تارها می‌گذرانند



۱. مه



۴. قرار گرفتن چپت بین دو دسته تار برای تنیدن پود



۳. گذراندن پود از بین دو دسته تار



۵. بافت یک وریس توسط دو نفر از دو طرف



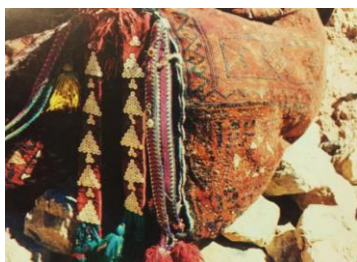
۷. هورژ قفل و کلید شده با شیر دنگ



۶. مهده قفل و کلید شده با شیر دنگ



۹. شله کش و نفتور بند



۸. قفل و کلید کردن هورژین با وریس



گروه تصاویر ۲- تصاویر کاربردهای عملی و تزئینی وریس

۱۰. بستن تهده بر پشت مادر برای حمل کودک در کوچ



۱۱. بستن کودک به تهده



<http://pana.ir/images/old/PicArchive>

۱۲. هچه، سرعت دهندهٔ بار بندی محکم در کوچ



۱۴. بستن بالای ملار (سه پایه) به وسیلهٔ وریس



۱۳. بستن دستگاه بافت بهون به ملارباوریس



۱۶. بستن سروکله و پیش‌تیگی چارپایان (تزیین اسب‌عروس)

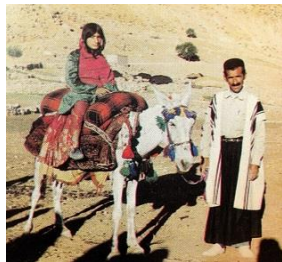


۱۵. اتصال زیر چلی به انتهای حلقه آستین چوقا



<http://www.iranraiment.com/showthumbnail>

۱۸. اوسار، تزیینات اسب و بستن تلمیت (از جلو)



۱۷. تزیین بیرونی بهون با شیردنگ



<https://scontent-iad3-1.cdninstagram.com>

۲۰. تزیین داخل بهون با شیردنگ



۱۹. وریس بدون نقش و هچه



۲۲. چرخاندن کارت برای ایجاد نقش

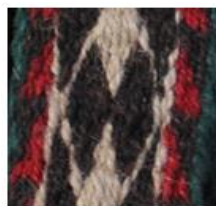


۲۱. تزیین حونه (خانه) با شیردنگ



گروه تصاویر ۳ - تصاویر انواع نقوش مورد استفاده در وریس

۲۴. تک گل، بنداره



۲۳. بالنده، بنداره، گنات به ره



۲۶. چارگلی، گناه به ره



۲۵. قچی و پره



۲۸. ته تلاش، بند اره، گنات



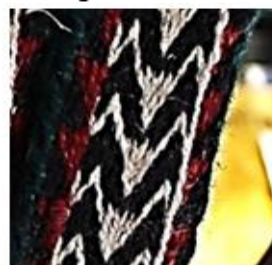
۲۷. جنگلی، بنده اره



۳۰. بالنده، گنات به ره



۲۹. بالنده، بند اره



۳۲. بند گل، گنات به ره



۳۱. گل پیکه، بند اره، گنات



۳۴. گل گندم



۳۳. گل پیکه، بند اره



۳۷. شیردنگ تکی، گنات



۳۶. چارگلی یا بوتی شایی



۳۵. موشاهی جو



۴۰. گل پیکه، شیردنگ تکی



۳۹. خال نال



۳۸. شیردنگ جفتی، گنات



۴۳. ماری، بند اره



۴۲. گل هچه با تزین چنگلی،

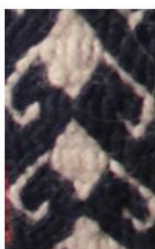
بند اره، گنات



۴۱. گل هچه، بند اره، گنات



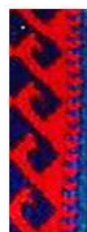
۴۶. گل‌گ. شاردوتک



۴۵. گل گوشار دو تک



۴۴. گل گوشاری تک، گنات



۴۹. راه مالرو، نقش ماری



۴۸. گل هچه



۴۷. گل گوشار دوتک، شردنگ،

گنات



۵۱. گامسی سی



۵۰. نقوش مختلف روی یک وریس



منابع

- امیراحمدیان. بهرام (۱۳۸۷). پژوهشی در باره ایل بختیاری. تهران: آگاه.
- امینی، شهلا (۱۳۸۴)، نوارهای تزیینی منسوج ایرانی. گلستان هنر، شماره ۲، صص ۱۰۶-۱۱۵.
- دیگار، ژان‌پی‌یر (۱۳۶۹). فنون کوچ‌نشینان بختیاری. ترجمه اصغر کریمی. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- قاضیانی. فرح ناز (۱۳۷۶). بختیاربها، بافته‌ها و نقوش. تهران: انتشارات میراث فرهنگی کشور.

- کریمی، اصغر (۱۳۶۸). سفر به دیار بختیاری. تهران: فرهنگسرا.
- کیانی، ندا (۱۳۹۵). مطالعه مردم‌شناسی وریس بافی عشایر بختیاری. دو فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی، شماره ۲، ۱۱۵-۱۳۴.
- نیک‌اندیش، بهزاد (۱۳۹۵). بندهای آویز دستباف در ایل بختیاری، هنری رو به فراموشی. نخستین همایش بین‌المللی هنر و صناعات در فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی با تأکید بر هنرهای رو به فراموشی، ۱۱ صفحه.
- هانگلدین، آرمن. ای. (۱۳۷۵). قالی‌های ایران. ترجمه اصغر کریمی. تهران: فرهنگسرا.